

۱۵۰۷۶۷۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اتقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک

اسناد کرمان

کتاب دوم

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

بهار ۱۳۹۶

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان کرمان / مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵.

۱۵ ج.: مصور (رنگی)

شابک دوره: ۸ - ۰۹۵ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸؛ ج ۱: ۵ - ۰۹۶ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸؛ قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال؛

ج ۲: ۲ - ۰۹۷ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸؛ قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال؛ ج ۳: ۹ - ۰۹۸ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸؛ قیمت:

۲۸۰۰۰۰ ریال؛ ج ۴: ۶ - ۰۹۹ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸؛ قیمت: ۲۷۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

ج. ۲ - ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیبا)

کتابنامه.

ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- کرمان (استان) -- اسناد و مدارک

سازمان اطلاعات و امنیت کشور -- اسناد و مدارک

Sazman Etela'at va Amniyat Keshvar -- Sources and documents

Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Kermān Province -- Sources

ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ اسناد و مدارک

Iran -- History -- Pahlavi, 1341 - 1978 -- Sources

ایران -- وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۸ الف ۲ ب / DSR ۱۵۰۰

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۰۷۲۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۱۶۶۰۰

شناسنامه

عنوان: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان کرمان، کتاب دوم)

ناشر: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹ - ۰۹۸ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸ (کتاب سوم)

ISBN: 978 - 600 - 149 - 098 - 9 (VOL. 3)

شابک دوره: ۸ - ۰۹۵ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 149 - 095 - 8 (VOL. SET)

<http://www.historydocuments.ir>

E-mail: info@historydocuments.ir

صندوق پستی: ۴۷۳۵ - ۱۹۳۹۵

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

.....	سخن ناشر	پنج
.....	مقدمه	هفت
.....	۱) نظام تک حزبی و احزاب سیاسی	هفت
.....	سخت‌گیری بر طرفداران امام (ره)	هشت
.....	مخالفت با فعالیت‌های مذهبی	یازده
.....	حمایت و ارتباط با علمای تبعیدی در استان	سیزده
.....	اسناد	۱
.....	فهرست اعلام	۴۰۵
.....	ضمائم	۴۲۳
.....	تصاویر	۴۶۲

مجلد سوم از مجموعه «انقلاب اسلامی در استان کرمان» روایتی است ناب و دست اول از سیر مبارزاتی مردم استان کرمان در فاصله‌ی زمانی مهرماه ۱۳۵۱ تا پایان شهریورماه ۱۳۵۶. در این مقطع زمانی برخی از کسانی که سرأ بر اساس ظواهر اوضاع را تحلیل می‌کردند بر این باور بودند که نهضت حضرت امام (ره) به پایان خود رسیده و نیروهای مذهبی قادر به سازماندهی و تشکیل مجدد نخواهند بود. اقدامات رژیم و حمایت‌ها تا آن دندان غرب از شاه نیز تا حدودی این تحلیل را توجیه می‌کرد، اما حقیقت آن بود که آن‌ها در زیر خاکستر در حال برافروختن بود و بسیاری به رغم همه‌ی اجحافات و سختی‌ها و فشار ساواک با پیروزی باوری قلبی داشتند. این دوره‌ی حدوداً پنج ساله را باید یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین سال‌های مبارزه نیروهای انقلابی علیه رژیم پهلوی دانست. در این زمان بسیاری از یاران امام و نیروهای انقلاب در بازداشت و تبعید به سر می‌بردند یا به وسیله‌ی عوامل رژیم به شدت کنترل می‌شدند. اسناد این مجموعه نشان می‌دهد که نیروهای انقلابی استان کرمان به رغم سختی‌های این راه بر ادامه‌ی دفاع از ارزش‌های اسلامی امام تاکید داشته و چشم انداز روشنی به آینده داشته‌اند. چندان بی‌راه نخواهد بود اگر اقدامات رژیم در این سال‌ها را آغازی بر افول و سقوط آن در سال ۱۳۵۷ بدانیم. به همین دلیل شناخت این مقطع برای شناخت انقلاب اسلامی ایران بسیار ضروری است. در پایان ذکر چند نکته برای استفاده بهتر از اسناد این مجلد ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱- در این مجلد به دلیل تغییر تاریخ از هجری شمسی به شاهنشاهی در سر برگ اسناد در داخل قلاب سال شمسی و در کنار آن برای حفظ اصالت اسناد سال شاهنشاهی آمده است.
- ۲- اگرچه چینش اسناد براساس تاریخ گزارش صورت گرفته است، اما از آنجایی که تاریخ گزارش برخی رویدادها، روزها یا ماه‌ها بعد از وقوع آن بوده است، لذا تشخیص داده شد تا برای حفظ انسجام رویدادها در برخی موارد مبنای چینش تاریخ وقوع رویدادها باشد.
- ۳- از آنجایی که بسیاری از اسامی، مکان‌ها و موضوعات در دو جلد قبلی گویاسازی شده‌اند، در این جلد

از تکرار مجدد آنها خودداری شده است.

۴- اسناد به ترتیب تاریخی چیده شده و به جز اسناد تکراری، تمامی اسناد مربوط به این موضوع آورده شده است.

۵- مواردی که نیاز به گویاسازی داشته، اعم از زندگینامه‌ی مختصر رجال و شرح برخی وقایع تاریخی، گویا و در ذیل اسناد آورده شده است.

۶- در این مجموعه از هر گونه ویرایش اسناد خودداری شده تا حتی‌الامکان حال و هوای سند حفظ شود.

۷- چون همه اسناد به گونه‌ای خوانا در تصاویر آمده است، از حروف چینی سرب‌گ‌ها خودداری گردیده است.

۸- در آغاز و انجام بسیاری از اسناد برخی علائم و رموز وجود دارد که عبارتند از:

نظریه‌ی شنبه: به مثابه‌ی یک عملیات نفوذی ساواک گفته می‌شد که از طریق مشاهده مستقیم یا از راه‌های دیگر به دست می‌آمد.

نظریه‌ی یکشنبه: به نظریه‌ی هر عملیاتی می‌گفتند که پس از گزارش منبع، آن را تأیید یا تحلیل می‌کرد.

نظریه‌ی دوشنبه: نظریه‌ی رئیس دایره عملیات بود.

نظریه‌ی سه‌شنبه: نظریه‌ی امنیت داخلی بود.

نظریه‌ی چهارشنبه: نظریه‌ی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه بوده است.

نظریه‌ی جمعه: نظریه‌ی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان بوده است.

کدهای زیر هم اسم رمز ساواک‌های مراکز استان‌ها است:

۱- (ساواک گیلان)، ۲- (ساواک مازندران)، ۳- (ساواک آذربایجان شرقی)، ۴- (ساواک آذربایجان

غربی)، ۵- (ساواک کرمانشاه)، ۶- (ساواک خوزستان)، ۷- (ساواک فارس)، ۸- (ساواک کرمان)، ۹- (ساواک خراسان)، ۱۰- (ساواک اصفهان)، ۱۱- (ساواک سیستان و بلوچستان)، ۱۲- (ساواک

کردستان)، ۱۳- (ساواک همدان)، ۱۴- (ساواک سمنان)، ۱۵- (ساواک لرستان)، ۱۶- (ساواک بوشهر)،

۱۷- (ساواک هرمزگان)، ۱۸- (ساواک کهگیلویه و بویراحمد)، ۱۹- (ساواک چهارمحال و بختیاری)،

۲۰- (ساواک تهران)، ۲۱- (ساواک قم)، ۲۲- (ساواک اراک)، ۲۳- (ساواک قزوین)، ۲۴- (ساواک

ایلام)، ۲۵- (ساواک زنجان) و ۲۶- (ساواک یزد) بوده‌اند.

همچنین مقصد خبر نیز با علائم رمز عنوان شده که قریب به اتفاق آنها مربوط به ادارات و بخش‌های تابع

اداره کل سوم (امنیت داخلی) ساواک بوده است.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

مقدمه

برای درک بهتر اسناد این مجلد، لازم است تا نگاهی به اوضاع کشور و کرمان به موازات هم انداخته شود. در این مقطع زمانی، ایجاد نظام تک حزبی یکی از مهم ترین اقدامات برای رفتن به سمت استبداد مطلق بود.

۱) نظام تک حزبی و اختناق سیاسی

محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۴۸ ه.ش در کتاب «مأموریت برای وطنم» در نقد نظام تک حزبی به مطالبی اشاره می کند که در سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۸ در ایران علناً تجلی آن دیده می شود. وی می نویسد:

«در روش های دیکتاتوری کمونیستی که من می شناسم مردم نه تنها در امور حکومت دخالت و حق اظهاری ندارند، بلکه جان و مال آنها نیز در اختیار دشمنان نیست. دیکتاتورهای کمونیست از نظر علاقه ای که به انتخابات دارند به فاشیست ها شبیه هستند و امید آنها این است که به مزدوران عادی تلقین کنند که در اداره امور کشور سهمیم هستند و سخنانشان تأثیری دارد در صورتی که تنها به یک حزب سیاسی اجازه وجود می دهند و هر کس بخواهد حزب دیگری تأسیس کند یا برخلاف حزبی که بر سر کار است سخنی بگوید به احتمال قریب به یقین دچار تصفیه و اضمحلال خواهد شد ...»^۱

به رغم انتقاد محمدرضا پهلوی از نظام تک حزبی که در بالا به بخش هایی از آن اشاره شد، وی در ۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۳ با اعلام نظام تک حزبی عملاً در همان مسیری قرار گرفت که به گفته ی

خودش نظام‌های کمونیستی طی کرده بودند. پس از سخنرانی شاه همه‌ی احزاب و سندیکاهایی که فعالیت می‌کردند مانند حزب مردم، حزب ایران‌نویں، حزب پان‌ایرانیست و حزب ایرانیان درهم ادغام شده و حزب «رستاخیز ملت ایران» را تشکیل دادند. اصول اساسی این حزب که صیانت از نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت بود، دقیقاً همان مواردی بود که قاطبه‌ی ملت از آن روگردان شده بودند.

موضع‌گیری صریح حضرت امام (ره) راجع به حزب رستاخیز و تحریم عضویت در آن انعکاس زیادی در سراسر کشور داشت. حضرت امام (ره) در پاسخ به سوال عده‌ای از روحانیون و طلاب در خصوص عضویت در حزب رستاخیز فرمودند:

«... به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و تک به استیصال مسلمین است و مخالفت با آن روشن‌ترین موارد نهی از انکار است. درباره این حزب به اصطلاح رستاخیز ملی ایران باید گفت که این عمل با این شرکت تحریمی، مخالف قانون اساسی و موازین بین‌المللی است و در هیچ یک از کشورهای مسلم نظام ندارد.»^۱

در استان کرمان پس از انتشار دیدگاه امام (ره) راجع به حزب رستاخیز و سپس موضع‌گیری سایر مراجع، بسیاری از روحانیون و سراسر دیار به مخالفت با آن برخاستند. در اسناد این مجموعه بارها به این موضوع اشاره شده است. در سند به تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۶ به دانش‌آموزی اشاره شده است که در مسجد صاحب الزمان سیرجان نسبت به حزب رستاخیز انتقاد کرده است:

«رحیمی دانش‌آموز کلاس ششم ریاضی دبیرستان بدین بنده استفاذه از نوشته آیاتی چند از کلام‌اله مجید را قرائت و غیرمستقیم و با کنایه از شرکت مردم در حزب رستاخیز انتقاد و مردم را ترسو خواند و می‌گفت هر مطلب را نباید نفهیمده! [اعمال بر]»^۲

سخت‌گیری بر طرفداران امام (ره)

در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ رژیم پهلوی به شدت فضای سیاسی کشور را بسته و انقلابیون و مردم عادی را در شرایط بسیار سخت و غیر قابل تحملی قرار داده بود. سند زیر به خوبی گویای فضای سختی است که مردم استان کرمان در آن زندگی می‌کرده‌اند:

۱. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۳، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۷۰۶.
 ۲. سند مورخه ۱۳۵۴/۲/۱۳ شماره ۱۳۴۴/ه، همین مجلد. در سندی از ساواک در ارتباط با همین دانش‌آموز آمده است: نامبرده به اتفاق ولیش احضار، ضمن دادن تذکرات شدید، در جهت مرام و هدف حزب مذکور توجیه و تهدید مبنی بر خودداری از اظهار مطالب خلاف مصالح ملی از وی اخذ و نتیجه را همراه با ارسال مشخصات کامل ملصق به عکس وی اعلام نمایند»

«هنگامی که کارمند نامبرده بالا در منطقه منازل سازمانی شهر کرمان که در آن توسط شخص یا اشخاصی اعلامیه مضره پخش شده بود مشغول بازدید و مراقبت از اماکن مشکوک بوده به دو نفر از دانش‌آموزان به اسامی حمید شهسوارزاده جنگی فرزند علی و غلامرضا حسن‌زاده دهگانی فرزند رضا محصلین کلاس پنجم دبیرستان پهلوی که ظاهراً در حال درس خواندن بوده‌اند مظنون و چون نامبردگان فوق مبادرت به فرار نموده‌اند به منظور ارباب و دستگیری آنان با اسلحه کمری یک تیر ۹ میلی شلیک و دو نفر دانش‌آموز مورد بحث را دستگیر که با رعایت تشریفات قانونی منازل آنان بازرسی و پس از تحقیقات و رفع سوءظن و این که فرار آنان بیم از گرفتاری احتمالی و ترس آدم‌دزدی بوده آزاد گردیدند.»^۱

در اسناد این مجد شایسته تأمل و رویارویی طرفداران امام(ره) و رژیم پهلوی در این فضای بسته و سخت هستیم. یکی از اقدامات رژیم که در سراسر کشور اعمال شد دستگیری و اعمال فشار بر یاران امام بود. در استان کرمان اسامی محمد دارد که نشان می‌دهد رژیم خواستار برخورد سخت و شدید با طرفداران امام بوده و به همین منظور نیز مکاتباتی میان ساواک استان و مرکز صورت گرفته است. به دلیل شرایط خاص استان، ظاهرأ مرکز از دستگیری گسترده اجتناب، ولی بر سخت‌گیری و اعمال محدودیت تأکید کرده است:

«با توجه به موقعیت منطقه و عکس‌العمل و دست‌اندرکاران افراد مورد بحث خواهشمند است دستور فرمایید از دستگیری افراد منظور خود، منصرف و با تهیه طرح لازم به انحاء مختلف برای روحانیون طرفدار خمینی و افسراد، دست محدودیت و تضییق فراهم نمایند»^۲

جسارت رژیم در این زمان به حدی رسیده بود که در برخی شهرهای استان علاوه بر تبعید روحانیون، مقامات مسئول شهری حتی به مقدسات مذهبی مردم نیز اهانت می‌کردند. سند زیر راجع به واکنش روحانیون کرمان به اوضاع حاکم بر شهر راور است:

«گروهی از طلاب در مدرسه معصومیه ضمن بحث و صحبت‌های معمولی درباره تبعید شیخ احمد توکلی از راور به بندر دیلم مذاکره می‌نمودند کافی اظهار داشته بعد از تبعید توکلی بخشدار راور نسبت به مسجدی‌ها و مقدسین سختگیری

۱. سند مورخه، ۱۳۵۴/۲/۳۰ شماره ۱۵۸۱/ه، همین مجلد

۲. سند مورخه ۱۳۵۴/۵/۱۳ شماره ۳۱۲/۲۲۵۵، همین مجلد. همچنین نک: اسناد مورخه ۱۳۵۴/۱۲/۲۷ شماره ۵۱۵۵/ه -

۵۴/۱۵/۲۶ شماره ۳۱۲/۶۷۸۲، همین مجلد

می‌کند و حتی به مقدسات مذهبی مردم ناسزا می‌گوید»^۱

در سند دیگری به نگرانی روحانیون استان نسبت به اوضاع جاری کشور اشاره شده است: «نعمتی اظهار داشت خدا می‌داند در نقاط دیگر چه خبر باشد فقیه افزود آنچه مسلم است هر کدام از علما و روحانیون که دارای فعالیت‌های بودند یا در زندانند یا تبعید شده‌اند این همان خواسته دولت آمریکا است زیرا سفیر آمریکا گفته است باید جلو فعالیت روحانیون گرفته شود حالا هر کس را صلاح بدانند دستور می‌دهند تا تبعید شود که راه برای فعالیت آنها باز باشد»^۲

براساس اسناد تنها روحانیون استان نبودند که مورد حمله‌ی رژیم قرار داشتند، بلکه سایر اقشار از جمله معلمان و دانش‌آموزان نیز به شدت کنترل شده و بعضاً حتی بازداشت و تبعید یا منتقل می‌شدند. اسناد نشان می‌دهد که طرفداری از امام در میان دانش‌آموزان بسیار رواج داشته است:

«برای اصلاح وادیه نامبرده بالا عکس اعلیحضرت همایونی را که پشت کتابش بوده پاره کرده و در حمام یکی از محصلین هم‌کلاسش که به او اعتراض نموده اظهار داشته است: این شاه و ستم‌ها را که می‌کشند و آیت‌الله خمینی را از ایران بیرون کرده است ضمناً پدر بدش را نیز جزو طرفداران سرسخت خمینی معرفی شده است»^۳

در سند دیگری به انتقال دوتایی از معلمان مذهبی شهرستان سیرجان اشاره شده است:

«نامبرده بالا که یکی از دبیران متعصب مذهبی در شهرستان سیرجان می‌باشد. با همکاری گروهی از دبیران آموزش و پرورش سیرجان منجمه عباس خیاطزاده فرزند محمد، اصغر رویگری‌زاده و عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان بدر و گروهی از روحانیون متعصب و تجار سیرجان اقدام به تشکیل گروه‌های مذهبی به نام هیئت قائمیه یا جوانان وابسته به مسجد صاحب‌الزین (ع) یا جمعیت صندوق قرض‌الحسنه نموده و

مقرر فرمایید از طریق وزارت آموزش و پرورش نسبت به اطلاع‌رسانی و تذکره‌های فوق‌الذکر به هر نحو که مقتضی می‌باشد اقدام و آنان را به مناطق دیگری که خوانند از طریق ناصواب به نام مذهب موجبات گمراهی افراد را فراهم نمایند منتقل و یا در کادر

۱. سند مورخه ۱۳۵۲/۹/۲۸ شماره ۸/۸۶۴۵ - برای اطلاع از وضعیت سخت روحانیون برای انجام فعالیت نک: ۱۳۵۳/۷/۱۵ شماره ۵۷-۹-۱۹۱۶ و سند مورخه ۱۳۵۳/۱۲/۲۵ شماره ۵۷-۱۰-۳۴۲، همین مجلد.

۲. سند مورخه ۱۳۵۲/۱۰/۱۵ شماره ۸/۸۷۴۸ - نک: سند مورخه ۱۳۵۲/۱۱/۲۸ شماره ۸/۹۴۱۵، همین مجلد. در سند دیگری می‌خوانیم: «خواهشمند است دستور فرمایید نامبرده بالا [شیخ حبیب‌الله خراسانی] را به طور موقت و انفرادی تا ساعت ۸۰۰ روز ۵۳/۷/۱۶ بازداشت و رأس ساعت مزبور به مأمورین اعزامی این سازمان تحویل نمایند.» سند مورخه ۱۳۵۳/۷/۱۵ شماره ۵/۷۱۲۵، همین مجلد.

۳. سند مورخه ۱۳۵۳/۷/۱۵ شماره ۵/۷۰۸۱، همین مجلد.

اداری از وجود آنان استفاده گردد. بدیهی است با انتقال افراد مورد اشاره به خصوص خیاطزاده و نصیری لاری از این منطقه موارد زیادی از فعالیت‌های مذهبی در سیرجان خنثی خواهد شد^۱

در اسناد این مجموعه بر طرفداری بسیاری از معلمان از حضرت امام در میان دانش آموزان: «در سر کلاس‌های درس ضمن سایر دروس بعضاً مسائل مذهبی را مطرح و طوری عمل می‌کنند که دانش آموزان به جای خواندن درس اکثراً به مساجد مراجعه و کارشان خواندن کتاب مذهبی و گرایش به طرف خمینی گردد»^۲

روحانیون نیز مقابلاً ارتباط خود را با معلمان و دانش آموزان حفظ کرده و با تمرکز بیشتری برای پیوستن آنها به نهضت امام تلاش می‌کردند:

«واعظ مذکور سید احمد سادات خراسانی^۳ در سخنرانی‌های خود به نفع خمینی تبلیغ و دانش آموزان و اهالی قریه را علیه مقامات عالیه مملکت تحریک نموده است.»^۴

مخالفت با فعالیت‌های مذهبی

از سال ۱۳۵۲ رژیم به چنان حالتی از بحران رسیده بود که هرگونه فعالیت مذهبی را مضر تشخیص می‌داد. این فعالیت می‌توانست کتابخانه یا حتی صندوق قرض الحسنه باشد، به طور نمونه در آذر ماه ۱۳۵۲ و پس از اینکه هیات امنای کتابخانه ولیعصر (عج) بخش انار شهرستان رفسنجان با آیت‌الله العظمی سید محمد هادی میلانی برای دریافت کتاب مکتبه کرد ساواک اقدام به تعطیلی این کتابخانه گرفت. در پی نوشت ساواک در این خصوص آمده است:

«نظریه چهارشنبه - تشکیل این گونه پایگاه‌ها و مجامع که موجب جذب و جذب افراد ساده لوح و متعصب مذهبی می‌گردد به مصلحت نیست و معتقد است به نفع مقتضی از ایجاد و گسترش آن جلوگیری به عمل آید.»^۵

در همین زمان سخت گیری‌های ساواک باعث بسته شدن «صندوق قرض الحسنه» در سیرجان شده بود:

«اقدام نامبردگان بالا در مورد بستن حساب جاری مربوط به صندوق قرض الحسنه

۱. سند مورخه ۹۵۷۷/ه شماره ۱۳۵۳/۱۱/۲۸. در سند دیگری می بینیم که: «نامبرده بالا [عباس خیاط زاده] که رئیس مدرسه راهنمایی امیرکبیر در سیرجان بوده است از شغل خود برکنار و فرد دیگری به جای وی منصوب شده است. سند مورخه ۱۳۵۲/۱۲/۸ شماره ۸/۹۷۶۲ ه. همین مجلد

۲. سند مورخه ۱۳۵۳/۱۲/۳ شماره ۸/۹۷۲۲ ه. همین مجلد

۳. سند مورخه ۱۳۵۳/۷/۱۵ شماره ۷/۸۰ ه. همین مجلد

۴. سند مورخه ۱۳۵۲/۹/۲۷ شماره ۹/۱۰۸۲۳ ه. همین مجلد

براساس اقداماتی است که به نحو مقتضی از طریق این ساواک به عمل آمده است.^۱

جلوگیری از انتشار کتاب‌ها و جزوات مذهبی و سیاسی از دیگر اقدامات رژیم برای مقابله با رشد سیاسی در طول دهه‌ی چهل و پنجاه بود. در این مقطع زمانی این سیاست همچنان با شدت دنبال شده و از تشکیل کتابخانه و نمایشگاه کتاب در مساجد، مدارس و دانشگاه‌ها جلوگیری می‌شد. سند زیر به تعطیلی نمایشگاه کتابی با نام «لانه دانشجو» که در محوطه نمازخانه مدرسه عالی امور اداری و بزرگانی کرمان برگزار شده بود اشاره دارد:

«بررسی و تحقیقاتی که وسیله سایر منابع مربوطه به عمل آمده وجود کتب مضره و تحریک‌آمیز در لانه دانشجو به سرپرستی دانشجویی به نام اردشیر فتحی‌نژاد که قبلاً؟ رشادت در مورد وی تقدیم و فردی آنورمال به نظر می‌رسد مورد تأیید قرار گرفته و به نتیجه به منظور جلوگیری از آلودگی و انحراف دانشجویان و خنثی کردن هرگونه تحریکات و تبلیغات مسموم در تاریخ ۵۲/۸/۲۸ به نحو مقتضی نسبت به جمع‌آوری و ضبط کتب مورد بحث به شرح صورت پیوست از طریق این ساواک اقدام و ترتیبی داده شده است. به واسطه مستولان مدرسه محل مذکور تعطیل و بقیه کتب که غیر مضره بوده به کتابخانه علمی مدرسه حمل گردد»^۲

علاوه بر این درهم شکستن مقاومت نیروهای مذهبی تلاش‌هایی برای تعطیل کردن فعالیت‌های مذهبی از جمله جلسات قرائت قرآن نیز در جریان بود. در سند زیر می‌بینیم که ساواک خواستار ایجاد تضییقاتی برای تعطیلی جلسات قرائت قرآن در یکی از مساجد کرمان شده است:

«من غیرمستقیم ترتیبی اتخاذ گردیده که نضج و فعالیت‌های مذهبی یادشده با توجه به تحریکات احتمالی او در این مورد خنثی و راجبات دلسردی مشارالیه از ادامه این فعالیت‌ها فراهم و نتیجه متعاقباً گزارش خواهد گردید»^۳

به رغم اقدامات رژیم که در بالا به برخی از آنها اشاره شد، نیروهای مذهبی و انقلابی استان کرمان نیز با اقدامات مختلفی از قبیل انجام فعالیت‌های مذهبی، انتشار اعلامیه و دیوارنویسی و ارتباط با روحانیون مخالف رژیم حضور خود را نشان می‌دادند. در سند زیر گزارشی از ساواک آمده است که نشان می‌دهد نیروهای مذهبی استان در شهرستان سیرجان در پوشش انجام فعالیت مذهبی، کارهای

۱. سند مورخه ۱۳۵۲/۹/۲۴ شماره ۸/۸۵۵۱ ه. همین مجلد

۲. سند مورخه ۱۳۵۲/۸/۲۸ شماره ۸/۸۰۶۰ ه. همین مجلد. همچنین نک: سند مورخه ۱۳۵۲/۸/۲۱ شماره ۵۷۹۲۴ ه. همین مجلد

۳. سند مورخه ۱۳۵۲/۱۲/۱۳ شماره ۸/۹۸۰۷ ه. همین مجلد

سیاسی می‌کرده‌اند:

«اخیراً جلساتی با شرکت نامبردگان مشروحه زیر به طور هفتگی و شب در منزل یک نفر تشکیل و ظاهراً حزبی به نام صاحب‌الزمان به رهبری مستقیمی آموزگار دبستان بدر تشکیل که افراد آن با پرداخت حق عضویت ماهیانه جلسات خود را اداره می‌نمایند ضمناً در این جلسات از وضع مملکت انتقاد و در مورد مسائل روز به بحث و گفتگو پرداخته‌اند»^۱

حمایت و ارعاب با حمایت تبعیدی در استان

همانگونه که در صفحات قبل گفته شد رژیم در دهه‌ی ۵۰ بسیاری از طرفداران امام را به مناطق محروم کشور تبعید می‌کرد. همین موضوع نشان می‌دهد که شرایط در کرمان به چه میزان اسفناک و سخت بوده است که برخی از تبعیدی‌ها را به این استان می‌فرستاده‌اند. مردم استان در واکنش به این اقدام رژیم به انتقاد از این وضعیت پرداخت و با برقراری ارتباط با این افراد مخالفت خود را با رژیم نشان می‌دادند. این ارتباط علاوه بر آن باعث حفا روحیه‌ی علمای تبعیدی به استان شده و آنها را در مسیر مبارزه مستحکم‌تر می‌کرد. در سند زیر به انتقاد از این وضعیت در مساجد اشاره شده است:

«شیخ محمدعلی ادیب بالای منبر رفته و پس از خواندن چند آیه درباره متفوق کردن حوزه علمیه قم صحبت کرده و گفت "هر کس با شاگردان امام زمان در افتاد ورافتاد" و افزوده الان یکی از آنها در همین مجلس شش ماهه. یکی در ماهان و دیگری در زاهدان و یکی در ... و بعدی امروزه از فاحشه‌های ماهان می‌گیرند. از رقامی مالیات می‌گیرند ولی چون نمی‌توانند از طلاب مالیات بگیرند در طلبه‌ای خواست منبر برود و مردم راهدایت کند باید هفتاد جا را امضاء کنند و بعد بدهند والا حوزه علمیه قم را می‌بندند و افراد آن را که شاگردان امام زمان هستند زندانی می‌کنند یا به شهرها می‌فرستند»^۲

در اسناد این مجموعه بارها به ارتباط روحانیون و مردم استان با روحانیون تبعیدی به استان و کمک آنها برای رفع مشکلات مادی این افراد اشاره شده و ساواک از این وضعیت ابراز نگرانی کرده است.^۳ از

۱. سند مورخه ۱۳۵۴/۴/۱۲ شماره ۲۱۲۴-ه. همین مجلد

۲. در ادامه همین سند آمده است: «منظور ادیب از عنوان نمودن اینکه افراد یکی در سیرجان. یکی در ماهان و دیگری در زاهدان است اشاره به سیدعلی غیوری واعظ تبعیدی به سیرجان. علی‌اکبر فیض مشکینی در ماهان و وعاظ دیگری در زاهدان است» سند مورخه ۱۳۵۲/۳/۳۰ شماره ۸/۷۵۸۰ و همچنین نک: سند مورخه ۱۳۵۲/۸/۲ شماره ۸/۷۵۸۶، همین مجلد

۳. نک: اسناد مورخه ۱۳۵۲/۹/۱۰ شماره ۸/۸۲۸۳-ه. ۱۳۵۲/۹/۱۱ شماره ۸/۸۲۵۰-ه. ۱۳۵۲/۹/۲۹ شماره ۸/۸۶۴۳-ه. و

۱۳۵۳/۷/۲۷ شماره ۸/۷۶۲۹، همین مجلد

دیگر اقدامات رژیم در این زمان تغییر تاریخ کشور از هجری شمسی به تاریخ شاهنشاهی بود. این اقدام در ادامه سیاست‌های رژیم در اسلام زدایی از جامعه صورت می‌گرفت. در ۲۵ اسفند ۱۳۵۴ در پی جلسه‌ی مشترک مجلس شورای ملی و مجلس سنا، تاریخ شاهنشاهی به عنوان تاریخ رسمی کشور ایران اعلام شد در این مجموعه شاهد این تغییر رویه هستیم و می‌بینیم که از سال ۱۳۵۵ در بالای سربرگ‌ها از تاریخ شاهنشاهی استفاده شده است. واکنش‌های زیادی به این اقدام صورت گرفت از جمله حضرت امام در سخنرانی‌های متعدد این اقدام را به شدت تقبیح کرد. امام خمینی (ره) در پیام عید فطر ۱۳۵۶ به کارگیری تاریخ شاهنشاهی را حرام اعلام نمودند و فرمودند:

«... برای تضعیف اسلام و محو اسم آن نغمه شوم تغییر مبدأ تاریخ را ساز کردند؛ این تغییر از جنایات بزرگی است که در این عصر به دست این دودمان کثیف واقع شد. به عموم است که با استعمال این تاریخ جنایتکارانه مخالفت کنند و چون این تغییر هتک اسلام و مقدمه محو اسلام است، خدای نخواست، استعمال آن بر عموم، حرام و پشت بانی استمکار و ظالم، مخالف با اسلام عدالتخواه است.»